

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2024; 16: e25

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

The Position of Fars State in Supplying Medicinal Herbal Oils from Al-Bouyeh to the end of Ilkhanid

Sedigheh Parvizinia¹

1. Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: One of the periods of development and advancement of medical and pharmacological knowledge in Iran was the period from Al-e-Bouyeh until the end of Ilkhanid (322-736 AH). In this period, Fars province was one of the main centers for the production of some medicinal herbal oils. This research aims to investigate the position of Fars province in supplying medicinal herbal oils from Al-e-Bouyeh to the end of Ilkhanid period.

Methods: In this research, using a descriptive-analytical approach, library information were collected from historical, geographical and medical history sources and analyzed to achieve the desired goals.

Ethical Considerations: In the current research, the authenticity of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: In Al-e-Bouyeh until the end of Ilkhanid, the use of herbal oils to treat many diseases was common. During this period, due to the vastness and variety of climate, Fars was the place where many plants grew, from which various medicinal oils were prepared and exported to other parts of Iran and the word.

Conclusion: During the Al-e-Bouyeh until the end of Ilkhani period in Fars, various medicinal herbal oils such as Rose, Narcissus, Jasmine, Violet, Kadi, etc. were produced. The cities of Shiraz, Shapour, Kazeroun and Firoozabad were the main centers of production of medicinal herbal oils in Fars.

Keywords: Ilkhani Period; Al-e-Bouyeh; Fars; Medicinal Herbal Oils

Corresponding Author: Sedigheh Parvizinia; **Email:** sedighehparvizinia@gmail.com

Received: April 18, 2022; **Accepted:** November 16, 2024; **Published Online:** December 17, 2024

Please cite this article as:

Parvizinia S. A The Position of Fars State in Supplying Medicinal Herbal Oils from Al-Bouyeh to the end of Ilkhanid. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2024; 16: e25.



جایگاه ایالت فارس در تأمین روغن‌های دارویی گیاهی از آل بویه تا زوال ایلخانان

صدیقه پرویزی‌نیا^۱^۱. گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از دوره‌های توسعه و پیشرفت دانش پزشکی و داروشناسی در ایران، دوره آل بویه تا زوال ایلخانان (۷۳۶-۳۲۲ ق.) بود. در این دوره فارس از مراکز اصلی تولید برخی از روغن‌های دارویی گیاهی به شمار می‌رفت. این پژوهش به بررسی جایگاه ایالت فارس در تأمین روغن‌های دارویی گیاهی از دوره آل بویه تا پایان دوره ایلخانی می‌پردازد.

روش: در این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی - تحلیلی، اطلاعات کتابخانه‌ای از منابع تاریخی، جغرافیایی و تاریخ پزشکی در راستای دستیابی به اهداف مورد نظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: از دوره آل بویه تا زوال ایلخانان، استفاده از روغن‌های گیاهی برای درمان بسیاری از بیماری‌ها رایج بود. فارس به سبب وسعت و تنوع آب و هوایی محل رویش گیاهان بسیاری بود که از آن‌ها روغن‌های دارویی گوناگون تهیه می‌شد و به مناطق دیگر ایران و جهان صادر می‌شد.

نتیجه‌گیری: در دوره آل بویه تا پایان دوره ایلخانی در فارس روغن‌های دارویی گیاهی متعددی چون گل رز، نرگس، یاسمین، بنفشه، کادی و... تولید می‌شد. شهرهای شیراز، شاپور، کازرون و فیروزآباد مراکز اصلی تولید روغن‌های دارویی گیاهی در فارس بودند.

واژگان کلیدی: آل بویه؛ دوره ایلخانی؛ فارس؛ روغن‌های دارویی گیاهی

نویسنده مسئول: صدیقه پرویزی‌نیا؛ پست الکترونیک: sedighehparvizia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Parvizia S. A The Position of Fars State in Supplying Medicinal Herbal Oils from Al-Bouyeh to the end of Ilkhanid. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., Medical History. 2024; 16: e25.

مقدمه

یکی از عوامل ضروری توسعه دانش پزشکی و داروشناسی، در دسترس بودن داروها است. به طور کلی در گذشته در کتاب‌های پزشکی و داروشناسی داروها به دو دسته مفرد (تک داروها) و مرکب (ترکیبی) تقسیم می‌شد. داروهای مفرد دارای منشأ گیاهی، حیوانی و یا معدنی بود. روغن‌های دارویی که یکی از داروهای مهم و رایج به شمار می‌رفت، اغلب منشأ گیاهی داشت و از قسمت‌های مختلف گیاهان مثل گل، میوه، پوست، برگ، دانه و مغز تهیه می‌شد، البته برخی روغن‌های دارویی، مثل روغن عقرب و روغن زرده تخم مرغ، منشأ حیوانی داشتند. استفاده از روغن‌های گیاهی برای درمان بیماری‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از علم پزشکی بوده است. امروزه نیز نسبت به طب سنتی به ویژه روغن‌های دارویی گیاهی اقبال عمومی وجود دارد.

ایالت فارس به مرکزیت شیراز، به سبب وسعت و تنوع آب و هوایی، از دیرباز به ویژه از دوره آل بویه تا زوال ایلخانان، یکی

از مراکز مهم رویش و کشت گیاهان دارویی گوناگون بود و سیستم پزشکی پیشرفته‌ای داشت. بخش زیادی از این داروها در ایالت فارس تولید و بخش دیگری از طریق تجارت تأمین می‌شد. گلاب، زعفران، عطریات، عرقیات گیاهی، روغن‌های دارویی، مومیایی، پادزهر حیوانی، انزروت (کُنجد، کُحل فارسی، *Astragalus Sarcocolla*) و خشک انگبین (عسل خشک) برخی از مهم‌ترین محصولات فارس بودند که کاربرد دارویی داشتند (۷-۱) (جدول ۱). در کتاب *مکاتبات یا سوانح/لافکار* خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، نامه‌ای در مورد تهیه و ارسال روغن‌های دارویی به تبریز برای تأمین نیازهای بیمارستان ربع رشیدی وجود دارد. روغن‌های مورد نیاز این بیمارستان از شیراز، بصره، روم، بغداد، شام و حله تأمین می‌شد (۱). در بین این مراکز تنها شهر شیراز در کشور ایران قرار دارد. این مطلب بیانگر نقش تاریخی این شهر در تهیه روغن‌های دارویی گیاهی و مرکزیت آن در کشور است.

جدول ۱: روغن‌ها، عطریات و گیاهان معطر (بدون ذکر نام روغن یا گیاه در منابع)

عنوان	دوره تاریخی	منبع تاریخی	مکان
روغن‌های فراوان و عطرها (پاک)	آل بویه	مختصرالبلدان ابن فقیه همدانی	شاپور
عطرهای روغنی	آل بویه	سفرنامه ابن حوقل	شاپور
روغن‌ها (دارویی)	آل بویه	مسالك و ممالك	فارس
عطریات	اتابکان سلغری	آثارالبلاد	شیراز
مشمومات (گیاهان معطر)	آل بویه و سلجوقیان	فارسنامه ابن بلخی و نزهت‌القلوب	شاپور، جندملغان، ارجان

در دوره پژوهش حاضر حکومت‌های آل بویه، سلجوقیان، اتابکان سلغری و ایلخانی بر فارس حکمرانی نمودند. در دوره آل بویه، دانش پزشکی در این شهر شکوفا شد و تا پایان دوره ایلخانی ادامه یافت که دلایل مختلفی چون حمایت حاکمان (مثل عضدالدوله دیلمی) و دسترسی به داروهای مورد نیاز داشت که نیازمند بررسی است. از برخی گیاهان دارویی روغن تهیه و به سایر نقاط ایران و حتی مناطق گوناگون جهان صادر می‌شد (۲). دسترسی ایالت فارس به مسیرهای تجاری در

خشکی و دریا امکان صادرات را برای این شهر فراهم می‌آورد. ابن بلخی در *فارسنامه* و مستوفی در *نزهت‌القلوب* مسیرهای تجاری متعددی را که از ایالت فارس عبور می‌کردند، شرح داده‌اند (۸-۹). بررسی این مسیرها نشان می‌دهد که در دوره آل بویه تا پایان دوره ایلخانی، ایالت فارس به سبب نزدیکی به خلیج فارس عامل پیوند جاده ابریشم در خشکی به جاده دریایی ادویه بود و ضمن واسطه‌گری در تجارت، می‌توانست

کالاهای خود مثل روغن‌های دارویی را به مناطق گوناگون جهان صادرکرد.

با توجه به اینکه در دسترس بودن داروها یکی از عوامل مهم پیشرفت دانش پزشکی و داروشناسی می‌باشد، بدون شک تولید دارو از جمله روغن‌های دارویی نقشی انکارناپذیر در پیشرفت دانش پزشکی و داروشناسی در فارس داشت. امروزه پرداختن به پیشینه تولید، تجارت و مصرف روغن‌های دارویی گیاهی با توجه به افزایش اقبال عمومی نسبت به مصرف این روغن‌ها و استفاده از آن‌ها در رایحه‌درمانی ضرورت دارد. رایحه‌درمانی به معنای استفاده کنترل‌شده از روغن‌های گیاهی خوشبو با هدف درمان، تسکین و پیشگیری از برخی بیماری‌های جسمی و روانی است. در رایحه‌درمانی روغن‌ها و اسانس‌های خوشبو به صورت‌هایی چون استنشاق و ماساژ مورد استفاده قرار می‌گیرند (۱۰-۱۱). همچنین بسیاری از روغن‌های دارویی از گیاهانی تهیه می‌شود که امکان کشت آن‌ها در ایران وجود دارد.

۱. پیشینه تحقیق: در مورد روغن‌های دارویی گیاهی در ایالت فارس تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. برخی پژوهش‌ها به بررسی روغن‌های دارویی، داروهای

بوییدنی و عطردرمانی در طب سنتی ایران پرداخته‌اند. ولی‌زاده و همکاران (۱۳۹۲ ش.) در مقاله «روغن‌ها از دیدگاه طب سنتی» به بررسی و بیان خواص تعدادی از روغن‌های دارویی گیاهی پرداخته، ولی به مراکز تولید این روغن‌ها اشاره‌ای نکرده‌اند (۱۲). علیجانیها و همکاران (۱۳۹۲ ش.) در مقاله «کاربرد داروهای بوییدنی در پیشگیری و درمان بیماری از دیدگاه طب سنتی ایران» به بررسی کاربرد درمانی داروهای بوییدنی در آثار چند پزشک پرداخته‌اند (۱۳). در پژوهش مذکور به استفاده ابن نفیس در کتاب *الموجز فی الطب* و ربن طبری در کتاب *فردوس الحکمه* از چند روغن برای حفظ سلامتی و درمان بیماری اشاره شده است. دهقان و همکاران (۱۳۹۹ ش.) در مقاله «القانون و جایگاه عطردرمانی در پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها یا مداوای آن‌ها به عنوان روشی درمانگر» به بررسی استفاده ابن سینا از مواد معطر برای تشخیص و مداوای بیماری‌ها پرداخته‌اند که در میان این مواد، چند روغن گیاهی به چشم می‌خورد (۱۴). پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جایگاه ایالت فارس در تهیه روغن‌های دارویی گیاهی از دوره آل بویه تا پایان دوره ایلخانی می‌پردازد (جدول ۲).

جدول ۲: روغن‌ها و گیاهان معطر فارس از دوره آل بویه تا پایان دوره ایلخانی

عنوان	دوره تاریخی	منابع تاریخی	مکان	توضیحات
روغن	آل بویه، اتابکان سلغری، ایلخانی	الصیدنه، حدودالعالم، آثارالبلاذ، سوانح‌الافکار	شیراز	در کتاب آثارالبلاذ به صورت «عطرگل» و در کتاب حدودالعالم به صورت «آب‌گل»
گل سرخ (محمدی)	آل بویه، سلجوقیان، اتابکان سلغری، ایلخانی	حدودالعالم، مسالک و ممالک، سفرنامه ابن حوقل، احسن‌التقاسیم، فارسنامه ابن‌بلخی، سوانح‌الافکار، آثارالبلاذ، عجایب‌المخلوقات	جور، فیروزآباد، کوار	
گل و گلاب	آل بویه، سلجوقیان، اتابکان سلغری، ایلخانی	احسن‌التقاسیم، سوانح‌الافکار	شاپور، شیراز	
گل نرگس	آل بویه، سلجوقیان، ایلخانی	سفرنامه ابن حوقل، فارسنامه ابن‌بلخی، نزهت‌القلوب	شاپور، کازرون، جره	
روغن	آل بویه، ایلخانی	الصیدنه، احسن‌التقاسیم، سوانح‌الافکار	دارابگرد، شاپور، شیراز	
زنبق (یاسمن)	آل بویه، سلجوقیان، ایلخانی	احسن‌التقاسیم، فارسنامه ابن‌بلخی، نزهت‌القلوب	شاپور	

عنوان	دوره تاریخی	منابع تاریخی	مکان	توضیحات
روغن	آل بویه	الصیدنه	شیراز	
کادی	گیاه	اختیارات بدیعی	گرمسیرات فارس	آل مظفر از سال ۷۵۴ تا ۷۹۵ قمری بر فارس حکومت کردند.
بید	روغن	سفرنامه ابن حوقل، مسالک و ممالک	فارس	در مسالک و ممالک اصطخری به صورت «آب بید» است.
بنفشه	روغن	احسن التقاسیم، حدود العالم، سوانح الافکار	شاپور، شیراز	در کتاب حدود العالم به صورت «آب بنفشه» آمده است.
گیاه	سلجوقیان، ایلخانی	فارسنامه ابن بلخی، نزهت القلوب	شاپور	
نسرین	روغن	ایلخانی	شیراز	
گیاه	ایلخانی	آثار و احیاء	فارس	
روغن	آل بویه	احسن التقاسیم	شاپور	
نیلوفر	گیاه	فارسنامه ابن بلخی، نزهت القلوب	شاپور	
ترنج (اترج)	روغن	آل بویه	شاپور	
گیاه	آل بویه، سلجوقیان، ایلخانی	سفرنامه ابن حوقل، مسالک و ارجان، فسا، کازرون، ممالک، فارسنامه ابن بلخی، نزهت القلوب	شاپور، هیرک، شاپور	
نارنج	روغن	آل بویه	شاپور	
گیاه	سلجوقیان، اتابکان سلغری، ایلخانی	فارسنامه ابن بلخی، تاریخ و صاف، نزهت القلوب	ایج، صمکان، شاپور، کازرون، فسا	
مورد	روغن	آل بویه	شاپور	
گیاه	سلجوقیان و ایلخانی	فارسنامه ابن بلخی، نزهت القلوب	دیه مورد و رادان	
مرزنجوش	روغن	آل بویه	شاپور	
زعفران	عرق	آل بویه	فیروزآباد	
گیاه	آل بویه، اتابکان سلغری	مسالک و ممالک، عجایب المخلوقات	فارس	

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، ابتدا داده‌های مورد نیاز با استفاده از کتاب‌های تاریخ پزشکی، جغرافیایی و تاریخی گردآوری شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

از دوره آل بویه تا پایان دوره ایلخانی، روغن‌های گیاهی برای درمان بیماری‌ها به کار می‌رفت، فارس نقش بسیاری در تأمین این روغن‌ها داشت. وسعت ایالت فارس و تنوع آب و هوایی آن موجب رویش گیاهان معطر گوناگون شد و زمینه را برای تهیه روغن‌های دارویی فراهم آورد. روغن‌های دارویی گیاهی متعددی چون گل سرخ، نرگس، بنفشه، یاسمین، ترنج و... تولید و به سایر مناطق ایران و جهان صادر می‌شد.

بحث

۱. تحولات سیاسی ایالت فارس از دوره آل بویه تا پایان

دوره ایلخانی: دوره آل بویه در ایالت فارس از سال ۳۲۲ قمری آغاز گردید. در این سال علی بن بویه (عمادالدوله) فارس را با شکست یاقوت، فرمانروای آن، تسخیر نمود (۱۵). در سال ۴۴۸ قمری فضلویه شبانکاره، با دستگیری و زندانی کردن ابومنصور فولاد ستون، آخرین حاکم آل بویه، حکومت فارس را تصاحب کرد (۱۶)، سپس در سال ۴۵۵ قمری قاورد حاکم کرمان و برادر الب ارسلان، سلطان سلجوقی، ایالت فارس را به تصرف درآورد. الب ارسلان ایالت فارس را به مقاطعه (اجاره) به فضلویه داد (۱۷). بعد از آن سلاطین سلجوقی، حاکمانی برای فارس تعیین کردند (۱۸)، در نتیجه آشفته‌گی در قلمرو حکومت سلجوقیان، در سال ۵۴۳ قمری، سنقر بن مودود حکومت اتابکان سلغری را در فارس تأسیس نمود (۱۹).

حکومت خوارزمشاهیان هیچ‌گاه به صورت مستقل بر فارس حکومت نکردند و تنها در مقطعی کوتاه، برخی از حاکمان سلغری از آنان اطاعت کردند. اتابک سعد بن زنگی هنگام توسعه‌طلبی در نواحی مرکزی ایران، در نبردی مغلوب سلطان محمد خوارزمشاه شد و اسیر گردید. خوارزمشاه با تعیین شروطی اتابک سعد را آزاد کرد و حکومت فارس را به او داد، اما هجوم مغولان مانع از اجرای تعهدات اتابک سعد شد (۲۰). اتابک ابوبکر بن سعد (حک: ۶۵۸-۶۲۳ ق.) برادرزاده‌اش، تهمتن را نزد اکتای قاآن مغول فرستاد و ضمن ابراز اطاعت، آمادگی خود را برای پرداخت خراج اعلام کرد، البته او شحنگان مغول را در بیرون از شهر شیراز اسکان داد و ناظرانی

بر آن‌ها تعیین کرد (۲۱)، بدین‌صورت، فارس از هجوم مغولان در امان ماند. در زمان حکمرانی مغولان بر ایران، در فارس اتابکان سلغری حکومت می‌کردند.

سلغریان با اعلام اطاعت از مغولان بر حکومتشان بر فارس ادامه دادند تا اینکه سلجوقشاه سلغری در سال ۶۶۲ قمری در نبرد با مغولان کشته شد و دختر اتابک سعد با نام ابش‌خاتون به فرمانروایی فارس انتخاب گردید. در سال ۶۶۳ قمری هلاکو مؤسس سلسله ایلخانی، دستور داد ابش‌خاتون با پسرش منگوتیمور ازدواج کند. از آن پس امور مالی و نظامی ایالت فارس تحت نظارت گماشتگان ایلخانان بود. در سال ۶۸۳ قمری ابش‌خاتون به تبریز، پایتخت حکومت ایلخانی فراخوانده و در آنجا ساکن شد و بدین‌ترتیب حکومت اتابکان سلغری در فارس پایان یافت (۱۶). حکومت ایلخانی با مرگ سلطان ابوسعید در سال ۷۳۶ قمری زوال یافت و بعد از آن در فارس، خاندان آل اینجو قدرت یافتند.

حدود جغرافیایی فارس در دوره مورد پژوهش بسیار وسیع‌تر از استان فارس کنونی و شامل مناطقی دیگر چون یزد، بوشهر، کهگیلویه و بخش‌هایی از خوزستان بود. ایالت فارس در مجاورت خلیج فارس قرار داشت و در بیشتر زمان‌ها، برخی جزایر خلیج فارس مثل کیش و قشم در قلمرو حاکم فارس بودند. مرزها و حدود ایالت فارس در دوره آل بویه تا پایان دوره ایلخانی با تغییراتی همراه بود. نواحی و مناطق فارس در کتاب‌های جغرافیایی مثل *سفرنامه ابن حوقل*، *احسن‌التقاسیم مقدسی*، *فارسنامه ابن بلخی* و *نزهت‌القلوب* مستوفی بیان گردیده است (۲، ۹-۸). تصویر زیر نقشه‌ای از فارس در دوره تاریخی مورد نظر می‌باشد (تصویر ۱).



تصویر ۱: نقشه ایالت فارس (۲۲)

۲. وضعیت دانش پزشکی در فارس از دوره آل بویه تا پایان دوره ایلخانی: علم پزشکی در دوره حکومت آل بویه در ایالت فارس، شکوفا شد و پزشکان بزرگی ظهور کردند که برجسته‌ترین آن‌ها ابوماهر شیرازی و استاد علی بن عباس مجوسی اهوازی مؤلف کتاب کامل/الصناعه بودند. ابوماهر نخستین کسی بود که در مورد آلات جراحی کتاب تألیف نمود (۲۳). عضدالدوله دیلمی (متوفی ۳۷۲ ق.) بیمارستانی در شیراز بنا کرد که بنا بر نوشته‌های زرکوب شیرازی در شیرازنامه و مستوفی در نزهت‌القلوب، این بیمارستان تا دوره ایلخانی دایر و آباد بود (۹، ۱۹). مقدسی که کتاب خود را در سال ۳۷۵ قمری نوشت، بیمارستان شیراز را مشهور و دارای تجهیزات کافی و پزشکان حاذق توصیف کرد (۲). این بیمارستان به احتمال فراوان همان بیمارستان بناشده توسط عضدالدوله دیلمی بوده است.

حاکمان فارس در دوره سلجوقیان مدارس متعددی بنا نمودند (۱۹)، اما اطلاعاتی در مورد ساخت دارالشفای توسط آنان موجود نیست. ابوالفرج عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله شیرازی (متوفی ۵۶۶ ق.) از پزشکان برجسته فارس، در دوره حکومت سلجوقیان بود (۲۳). حکیم سیداسماعیل جرجانی (متوفی حدود ۵۳۱ ق.)، پزشک مشهور ایرانی دوره سلجوقیان، برای تکمیل تحصیلات و تحقیقات خود مدتی در فارس ساکن شد (۲۴). این مطلب نشان می‌دهد شیراز در این دوره از مراکز آموزش دانش پزشکی بوده است.

در دوره حکومت اتابکان سلغری بر فارس، اقداماتی در جهت توسعه دانش پزشکی صورت گرفت. اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد در شیراز دارالشفایی ساخت و املاک بسیاری بر آن وقف نمود. امیر مقرب‌الدین، وزیر اتابک ابوبکر بن سعد هم در حوالی مسجد عتیق شیراز دارالشفایی بنا کرد (۱۹).

ایلخانان به علم پزشکی علاقمند بودند. غازان و اولجایتو بیمارستان‌هایی را در ایران تأسیس کردند (۲۵-۲۶).

رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر حکومت ایلخانیان که خود نیز طبیب بود، تلاش‌های بسیاری در راستای اعتلای دانش پزشکی در ایران انجام داد. در مکاتبات وی نامه‌ای وجود دارد که بر طبق آن او ریاست و تولیت اوقاف بیمارستان دروازه سلم شیراز، از بناهای ساخته‌شده در زمان اتابکان فارس را به نجم‌الدین محمود بن الیاس شیرازی می‌سپارد و برای او مقرری سالیانه از درآمد املاک شیراز تعیین می‌کند. بیمارستان دروازه سلم در این زمان رو به خرابی بود و نجم‌الدین محمود بن الیاس مأمور سروسامان‌دادن به آن می‌شود (۱).

قطب‌الدین شیرازی (متوفی ۷۱۰ ق.)، برجسته‌ترین پزشک دوره اتابکان سلغری و ایلخانی در فارس بود و مهم‌ترین تألیف او در حوزه پزشکی، کتاب *التحفة السعدیة* می‌باشد (۲۷). نجم‌الدین محمود بن الیاس (متوفی: حدود سال‌های ۷۲۰ تا ۷۳۰ ق.)، دیگر پزشک برجسته شیرازی دوره ایلخانی بود که از جمله مهم‌ترین آثار او کتاب *الحاوی فی علم تدایوی یا الحاوی صغیر* است (۲۸).

۳. اهمیت و کاربرد روغن‌های دارویی گیاهی: در گذشته برای درمان برخی بیماری‌ها از روغن‌های گیاهی استفاده می‌شد (۱۲-۱۳). روغن‌های گیاهی به‌تنهایی و یا در ترکیب با داروهای دیگر، کاربردهای بسیاری داشتند و به صورت‌های گوناگون چون استنشاق، خوراکی و ماساژ مورد استفاده قرار می‌گرفتند. این روغن‌ها امروزه هم مورد استفاده فراوان علاقمندان به طب سنتی است. همانطور که پیش از این گفته شد، یکی از موضوعاتی که اهمیت پرداختن به روغن‌های گیاهی را نشان می‌دهد، رواج رایحه‌درمانی است. تعداد روغن‌های دارویی گیاهی بسیار است. پزشکان، داروشناسان و دانشمندان برجسته ایرانی در آثار خود توجه ویژه‌ای به این روغن‌ها و کاربردهای آن برای درمان بیماران داشته‌اند که در اینجا به بررسی برخی از آثار آن‌ها می‌پردازیم.

ابومنصور موفق هروی پزشک و داروشناس معروف ایرانی قرن چهارم و پنجم قمری، در کتاب *الابنیه عن حقایق الادویه*، روغن‌های دارویی گیاهی را به دو دسته روغن‌های مفرد و

مرکب تقسیم می‌کند. او از ۲۳ نوع روغن مفرد شامل روغن‌های گردو، کنجد، بادام شیرین، بادام تلخ، زیتون، کاجیره، کرچک، ترب، خردل، بذر کتان، بن، پسته، بلسان، غار، هسته شفتالو و زردآلو، گندم، نخود، نارگیل، دانه اُترج، پوست اُترج، حنظل، صنوبر و کدو و روغن‌های مرکب مثل بان، بنفشه، افسنتین، مرزنجوش و... نام می‌برد و خواص هر یک را بیان می‌کند. به عنوان مثال در مورد روغن بن می‌گوید: «سنگ از مثانه بیرون کشد و همه رطوبت‌ها را نیک برد» و در مورد روغن حنا می‌نویسد: «معتدل است، بگرمی و سردی دردها بنشانند، رنجگی ببرد، موی سیاه گرداند و قوی است» (۷).

ابوریحان بیرونی (۴۴۰-۳۶۲ ق.) در کتاب *الصدینه فی الطب* از روغن‌های دارویی گیاهی متعددی چون بلسان، بیدانجیر، حنا، نیلوفر، یاسمین، نرگس، خیری، بان، زیتون، گل و... نام می‌برد و توضیحاتی در مورد خواص آن‌ها ارائه می‌دهد. وی می‌گوید: «روغن بان گرم و خشک است در دو درجه و ورم‌ها بنشانند» (۵).

سیداسماعیل جرجانی (متوفی ۵۳۱ ق.) پزشک و داروشناس برجسته ایرانی نیمه دوم قرن پنجم و نیمه نخست قرن ششم قمری، مؤلف کتاب *ذخیره خوارزمشاهی* است. در باب چهارم از گفتار هفتم کتاب سوم *ذخیره خوارزمشاهی*، تحت عنوان «اندرشناختن حال و به کارداشتن روغن‌ها»، در مورد روغن‌های دارویی گوناگون مثل بان، سوسن، خیری، نرگس، یاسمین، مرزنجوش، مصطکی، سداب، افسنتین، بنفشه، نیلوفر، مورد و بابونه و خواص درمانی آن‌ها مطالبی بیان شده است. جرجانی در مورد روغن خیری می‌نویسد: «معتدل است، اندر بیشتر مزاج‌ها سود دارد و عصب‌ها را نیک باشد» (۲۹).

یوسف بن اسماعیل معروف به ابن کُتبی پزشک برجسته نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم قمری در سال ۷۱۱ کتاب *ما لایسع للطیب جهله* معروف به *جامع بغدادی* را درباره ادویه مفرد و مرکب به زبان عربی تألیف نمود (۳۰). در این کتاب از کاربردهای روغن‌های دارویی گیاهی متعدد از جمله اذخر، اُقحوان، مرزنجوش، شبت، رازقی، نرگس، زعفران،

۴. تولید روغن‌های دارویی گیاهی در فارس

۴-۱. **روغن گل:** فارس از گذشته‌های دور از رویشگاه‌های اصلی گل سرخ یا گل محمدی (Damask Rose) و در نتیجه از مراکز تولید گلاب و روغن گل بود (۳، ۲۲، ۳۴). به موجب یک فهرست مالی مربوط به حکومت خلفای عباسی در سال‌های ۱۵۸ تا ۱۷۰ قمری، ایالت فارس هر سال سی هزار شیشه گلاب به عنوان خراج به خزانه ارسال می‌کرد (۳۵)، اگرچه مقداری زیادی گلاب در سراسر ایالت فارس تهیه می‌شد، اما گلاب جور (فیروزآباد) فراوان‌تر و خوشبوتر از سایر مناطق بود. گل جوری منسوب به شهر جور بود (۹، ۲۲، ۳۴). در دوره آل بویه در ایالت فارس به خصوص در شهر فیروزآباد و کوار گلاب مرغوب تهیه و به بسیاری از مناطق دنیا، از جمله حجاز، شام، مغرب، روم، اندلس، اروپا، مصر، یمن، هند و چین صادر می‌شد (۳، ۶، ۲۲). همچنین روغن گل نیز در فارس تهیه می‌گردید. در کتاب *الصیدنه* ابوریحان بیرونی در مورد گونه‌های گل و تهیه روغن از آن آمده است: «گلی را که از آن گلاب می‌گیرند در فارس «آزاد گل» می‌نامند. گنبد گل در کوره شاپور وجود دارد، به رنگ سرخ تیره است و اصلاً نمی‌شکند و بسیار تیزبو است که از آن روغن استخراج و به خزانه شاهان منتقل می‌کنند» (۵).

مهم‌ترین کتابی که در دوره حکومت سلجوقیان درباره تاریخ و جغرافیای فارس تألیف شده، کتاب *فارسنامه* نوشته ابن بلخی می‌باشد. ابن بلخی در توصیف شهر فیروزآباد، گل جوری را منسوب به آن می‌داند (۸) که بیانگر شهرت گل و گلاب این شهر در دوره سلجوقیان است. در دوره حکومت اتابکان سلغری در فارس، گل جور بسیار شهرت داشت. زکریای قزوینی می‌گوید: «در جور گل سرخ بسیار معطری می‌روید که شاعران به آن مثل می‌زنند» (۴). در این دوره گلاب از کالاهای صادراتی ایالت فارس بود (۳۶). در دوره اتابکان سلغری در شیراز عطر گل و سایر عطریات تولید می‌شد (۴).

در دوره ایلخانی، گلاب و روغن گل مرغوب در فارس تهیه و گلاب فارس به همه مناطق، از جمله مصر و شام صادر می‌شد (۳۷). طبق نامه‌ای در دوره ایلخانی، خواجه رشیدالدین

حنا، ناردین، بابونه، کدو، کتان، پسته، حنظل، بنفشه، نیلوفر، خیری، لادن، مصطکی، افسنتین و ... مطالبی آورده شده است. به نظر ابن کُتبی روغن افسنتین عامل درمان یرقان، قوت معده و بازگشایی سدد کبد است و در از بین‌بردن کرم‌های گوش، معده و روده سودمند می‌باشد (۳۱).

علاوه بر پزشکان و داروشناسان برخی از نویسندگان و دانشمندان ایرانی نیز به روغن‌های دارویی توجه نموده‌اند. ابوبکر مطهر جمالی یزدی در سال ۵۸۰ قمری کتاب *فرخ‌نامه* را که در حکم دایرةالمعارفی در علوم و فنون و عقاید می‌باشد، تألیف کرد. اهمیت، خواص و کاربرد فراوان روغن‌های دارویی گیاهی باعث شد جمالی یزدی مبحثی از کتاب خود را به موضوع این روغن‌ها و بیان خواص آن‌ها اختصاص دهد. وی در مقاله هشتم فصل اول این کتاب به روغن‌های دارویی متعددی چون بادام، کنجد، گردو، زنبق، نارگیل، بنفشه، خیری، نیلوفر، مورد، گل، کدو، خیار و... می‌پردازد. او در مورد خواص روغن کدو می‌گوید: «درد سر را نیک بود که از صفرا بود و مغز را نیک است» و در مورد روغن مورد می‌نویسد: «موی را جعد کند و سیاه» (۳۲).

استفاده از روغن‌های دارویی گیاهی در دوره ایلخانی رواج داشت. در داروخانه ربع رشیدی روغن‌های گیاهی بسیاری برای درمان بیماران وجود داشت (۲۶). کتاب *عرایس/الجواهر و نفایس/الاطایب* که در سال هفتصد قمری در دوره ایلخانی به وسیله ابوالقاسم عبدالله کاشانی تألیف شد، به روغن‌های گیاهی و خواص درمانی آن‌ها پرداخته است. این کتاب در مورد جواهرشناسی، کاشی‌گری و عطرها می‌باشد و مؤلف در قسمت عطرها بخشی را به روغن‌ها اختصاص داده است. ابوالقاسم کاشانی چگونگی و خواص روغن‌های خیری، بنفشه، گل، بلسان و یاسمین را شرح می‌دهد و از برخی از روغن‌ها چون نیلوفر، نرگس، اترج و... تنها نام می‌برد. وی در مورد روغن بلسان می‌گوید: «در زهرها سودمند است و تریاق فاروق بدون آن نمی‌توان ساخت و در رنج‌های سرد و علت صرع و رنج جگر و معده و درد پای و مفاصل که از سردی بود، سودمند خواهد بود» (۳۳).

دوره حکومت اتابکان سلغری در فارس می‌باشد، هرچند که قزوینی به نام این گیاهان خوشبو اشاره نمی‌کند.

در دوره ایلخانی در ایالت فارس نرگس‌زارهای خودرو وجود داشت. در جوار کازرون و جره در حدود خان آزاد مرد نرگس‌زاری وسیع و خودرو بود که شهرت بسیاری داشت. مستوفی در مورد این نرگس‌زار می‌گوید: «از کثرت بوی نرگس در آن مرغزار سرخوش شوند و دل تفریح یابد» (۹). روغنی که از نرگس‌زارهای فارس تهیه می‌شد، بسیار مرغوب بود. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی برای تأمین روغن‌های دارویی بیمارستان ربع رشیدی دستور داد بیست من روغن نرگس بادام از شیراز فرستاده شود (۱). امروزه استان فارس رتبه نخست تولید گل نرگس در کشور را دارد و خفر و کازرون از مراکز اصلی تولید گل نرگس در این استان هستند (۴۰).

روغن نرگس دارای خواص درمانی بسیاری بود. بنا به نوشته جرجانی طبع روغن نرگس معتدل می‌باشد و برای درد سینه، پهلوی و عصب‌ها سودمند است (۲۹). الیاس شیرازی نیز در مورد خواص روغن‌های نرگس و یاسمین در رساله غیاثیه می‌نویسد: «بادها را بشکنند و ورم‌های بلغمی را سود دارد» (۲۸).

۳-۴. روغن یاسمین (زنبق): زنبق و یاسمین دو گیاه متمایز هستند، اما از آنجا که در برخی منابع روغن زنبق (Iris) و یاسمین (Jasmine) یکی دانسته شده، در اینجا با هم ذکر می‌شوند. یاسمین گونه‌های مختلفی مثل زرد، چمپا، پاکوتاه، زمستانی و سفید دارد. یاسمین سفید، درختچه‌ای پیچان و یا با ساقه‌های رونده و بلند، گاهی به طول تا ۱۰ متر است. شاخه‌های آن نازک، زاویه‌دار، بی‌کرک یا تقریباً بی‌کرک است. یاسمین سفید دارای برگچه‌های ۵ تا ۷ تایی و به ندرت ۹ تایی، بیضوی - تخم مرغی تا مستطیلی - تخم مرغی به طول ۱ تا ۶ سانتی‌متر است. این گیاه گل‌های سفید و خوشبو دارد (۳۹). خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی می‌نویسد: «درخت یاسمین در چهار نوع سفید، زرد، سرخ و کبود است که سفید آن خوشبوتر و سودمندتر می‌باشد» (۳۷).

فضل‌الله همدانی دستور ارسال سیصد من (هر من سه کیلوگرم) روغن گلاب ایچی از شیراز را داده است (۱). روغن گلاب ایچی که در این نامه آورده شده، منسوب به شهر ایچ، مرکز منطقه شبانکاره در فارس بود.

نجم‌الدین محمود بن صاین‌الدین الیاس شیرازی (متوفی حدود سال‌های ۷۲۰ تا ۷۳۰ ق.) از پزشکان برجسته شیرازی دوره ایلخانی، شیوه تهیه برخی از روغن‌های دارویی را شرح داده است. بنا به گفته وی برای تهیه روغن گل بادام، دو من مغز بادام را با یک من ورق گل ترکیب می‌کردند و در یک کیسه از جنس کرباس نو صد روز نگه می‌داشتند تا روغن آن به عمل آید (۲۸)، البته برای تهیه روغن گل می‌توانستند به جای استفاده از مغز بادام از دانه‌های روغنی دیگری مثل کنجد پوست‌کنده استفاده کنند (۳۸). شایان ذکر است که روغن‌های دارویی گیاهی شامل دو گونه مفرد و مرکب بودند و روغن گل که تهیه آن گفته شد، روغن مرکب است.

امروزه درختچه گل محمدی در اغلب نقاط ایران کاشته می‌شود (۳۹) و استان فارس رتبه اول تولید گل محمدی را دارد. شهرستان‌های داراب و فیروزآباد (به خصوص شهر میمند) از مراکز اصلی کشت گل محمدی و تولید گلاب در فارس هستند (۴۰).

روغن گل دارای خواص دارویی فراوانی بود. ابوریحان بیرونی می‌نویسد: «روغن گل سرد و خشک در درجه اول است، طبع را نرم می‌کند و برای اعضا مقوی است» (۵). جرجانی خوردن و مالش روغن گل را برای زخم‌های ظاهر و باطن سودمند و آن را از بین‌برنده سوزش روده‌ها، مثانه و درد سری که از گرمی باشد، می‌داند (۲۹).

۲-۴. روغن نرگس: در دوره آل بویه، نرگس‌زارهای (Narcissus) وسیع در ایالت فارس وجود داشت (۲۲). در دوره سلجوقیان نیز گیاهان خوشبو مثل گل نرگس در فارس بسیار بودند (۸). قزوینی در توصیف شهر شاپور می‌گوید: «هر که به آنجا رود و داخل شود، همیشه بوی خوش شنود به سبب بسیاری گل‌ها و درختان» (۴). این مطلب بیانگر رویش و کشت گیاهان معطر دارویی و احتمالاً تهیه روغن از آن‌ها در

زنبق در ایران، ۲۰ گونه گیاهی علفی چندساله و ریزوم‌دار (ساقه زیرزمینی) دارد (۴۱). خواجه رشیدالدین فضل‌الله در توصیف گل زنبق می‌گوید: «گیاه زنبق بسیار سفید و معطر است و دارای گل طولانی بزرگ و ساقه کوچک سبز می‌باشد و روغن آن بسیار مفید است» (۳۷).

در دوره آل بویه، شهر شاپور در ایالت فارس محل رویش یاسمین بود. در این دوره بنا به گفته مقدسی، ده‌گونه روغن دارویی، از جمله روغن زنبق در شاپور تولید می‌شد (۲). با توجه به اینکه مقدسی به تولید روغن یاسمین اشاره نمی‌کند، احتمال دارد منظور او از روغن زنبق، همان روغن یاسمین باشد.

ابوریحان بیرونی روغن زنبق را همان روغن یاسمین می‌داند و می‌گوید: «بهترین و نیکوترین نوع آن را از دارابجرد (دارابگرد) فارس به اطراف نقل می‌کنند» (۵). ابن بیطار روغن زنبق را روغن یاسمین سفید و روغن رازقی را روغن سوسن سفید می‌داند (۴۲). حاج زین‌العطار پزشک و داروشناس قرن هشتم قمری اهل شیراز، گل زنبق را متمایز از یاسمین یا سوسن سفید می‌داند و به اشتباه داروشناسان در یکی‌دانستن این گیاهان اشاره می‌کند (۴۳). این سخن حاج زین‌العطار با توجه به اینکه بنا بر منابع تاریخی و پزشکی در فارس روغن زنبق و یاسمین تولید می‌شده، اهمیت بسیار دارد.

محل رویش گیاه یاسمین در دوره حکومت سلجوقیان و ایلخانی نیز شاپور فارس بود (۸-۹). خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بیان می‌کند: «قبل از این در مملکت گل زنبق نبود و به جای گل زنبق از گل یاسمین زرد یا سفید برای تهیه روغن استفاده می‌کردند، اما او گل زنبق را که از مصر و افرنج (فرنج، اروپا) به شام و سپس ماردین آورده شده بود، به ایران آورد و در سلطانیه و تبریز کاشت» (۳۷). طبق یک نامه خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی برای تأمین روغن‌های دارویی ربع‌رشیدی در تبریز دستور فرستادن بیست من روغن یاسمین بادم از شیراز را داد (۱).

روغن زنبق برای همه دردها و بیماری‌ها سودمند ذکر شده است (۳۲). ابن سینا زنبق را سوسن آسمانگون (ایرسا) می‌نامد

و روغن زنبق را علاج تب و لرز و برای از بین بردن بوی بد بینی و سردی بدن مفید می‌داند (۴۴). روغن یاسمین دارای طبعی گرم و خواص بسیاری است و برای درد اعصاب، تقویت اندام‌های ضعیف، بیماری کلیه، فلج و رعشه سودمند می‌باشد (۷، ۲۹). همچنین ابن سینا روغن یاسمن را داروی خوبی برای درمان گری (جرب) بیان می‌کند (۴۴).

۴-۴. روغن کادی: گیاه کادی (کدر، گل کبری، کاذی، Pandanus) درختچه‌ای کوتاه و خیلی منشعب دارد. برگ‌های آن زیاد، خطی، دندانه‌دار بدون دم‌برگ، زیر و به هم پیچده و شبیه برگ‌های نخل است و کنار برگ‌ها دندانه‌دار و دندانه‌ها خاردار می‌باشند. شکوفه‌های کادی مانند شکوفه خرما به رنگ سفید مایل به زرد و خوشبو است و میوه آن به شکل گروهی و ظاهر میوه شبیه به آناناس است (۴۵). در دوره آل بویه یکی از روغن‌های دارویی که در شیراز تولید می‌شد، روغن کادی بود. از گیاه کادی در نواحی شیراز و ری روغن استخراج می‌کردند (۵). محل رویش درخت کادی بیشتر در یمن، عمان و هند بود، اما به گفته حاج زین‌العطار پزشک و داروشناس قرن هشتم قمری در مناطق گرمسیری فارس به فراوانی وجود داشت. او در مورد چگونگی تهیه روغن از کادی می‌گوید: «برای تهیه روغن شکوفه آن را پیش از آنکه از پوست بشکافد و بیرون بیاید، از پوست بیرون می‌آوردند و در روغن می‌انداختند و در آفتاب قرار می‌دادند تا روغن آن گرفته شود» (۴۳). ابن کُتبی روغن کادی را برای درد کمر، لگن، مفاصل، بادها و جذام سودمند می‌داند (۳۱). امروزه اطلاعی از وجود درخت کادی در فارس وجود ندارد.

۴-۵. روغن بید: درخت بید در مناطق مرطوب و درکنار جویبارها می‌روید. در ایران ۱۳ گونه از این درخت وجود دارد که بید مشک (Pussy Willow) و بید مجنون از شناخته‌ترین نوع آن هستند (۴۱). بید مشک درختچه‌ای بزرگ به ارتفاع ۸ تا ۱۰ متر است. چوب زیر پوست این درخت با زخم‌های مشخص خطی می‌باشد. جوانه‌های گل‌دار تخم مرغی یا بیضوی و برگ‌های نسبتاً بزرگ با گل‌آذین دم‌گربه‌ای زودس، از مشخصات این درخت است (۳۹).

در دوره آل بویه در فیروزآباد فارس، عرق بید گرفته می‌شد. بنا بر گفته ابن حوقل عطر روغن بید که در فارس تهیه می‌شد بر همه عطرهای دنیا جز عطر روغن بید مراغه برتری داشت (۲۲). اصطخری هم کیفیت آب بید تولید فارس را برتر از سایر مناطق می‌داند (۶). بعد از دوره آل بویه اطلاعاتی در مورد تهیه روغن بید در فارس وجود ندارد، اما تاورنیه (Tavernier) جهانگرد فرانسوی دوره صفویه می‌گوید: «یک گونه عرق در شیراز از درخت بید مشک تهیه می‌شود و همراه با عرق‌ها و عطرهای دیگر برای شاه صفوی به اصفهان می‌فرستند» (۴۶). روغن بید خواص درمانی فراوانی داشت. بنا به نوشته موفق هروی روغن بید سرد و تر در درجه دوم است، همه گرفتگی‌ها، از جمله گرفتگی جگر را می‌گشاید و برای درد، گرفتگی و ورم طحال مفید است. همچنین عامل قوی شدن دل و مغز و برای یرقان سودمند است (۷).

۴-۶. روغن بنفشه: گیاه بنفشه گیاه علفی چندساله، با ساقه‌ای کوتاه است که گونه‌ها و رنگ‌های متنوعی دارد و در مناطق معتدل می‌روید. بنفشه معطر از گیاهان دارویی مفیدی است که گل آن مانند گل گاو زبان و برگ‌های آن قلبی‌شکل و منتهی به دمبرگی واقع در سطح زمین است. گل‌های بنفشه معطر منفرد، خوشبو و معمولاً به رنگ بنفش می‌باشد (۴۷). ایالت فارس به خصوص مناطقی چون شاپور از رویشگاه‌های مهم گیاه بنفشه بود (۹). مؤلف ناشناخته *حدود العالم* که کتاب خود را در سال ۳۷۲ قمری در دوره آل بویه تألیف نمود، آب بنفشه را از محصولات تجاری فارس برمی‌شمارد (۳) که بیانگر رویش فراوان بنفشه و تهیه محصولات از آن در آن دوره است. در دوره آل بویه روغن بنفشه در شهر شاپور تولید می‌شد (۲). در دوره سلجوقیان نیز شهر شاپور محل رویش گیاهان معطری مثل بنفشه بود که احتمالاً از آن روغن تهیه می‌شد (۸). در دوره ایلخانی روغن بنفشه بادام در شیراز تهیه می‌شد و به تبریز برای تأمین روغن‌های بیمارستان ربع‌رشیدی فرستاده می‌شد (۱). بنا به نوشته الیاس شیرازی برای تهیه روغن بنفشه بادام، بادام پوست‌کنده را که تلخی نداشت به دو نیم می‌کردند و در یک کیسه کرباس با عرق گل و عود

خوشبو می‌نمودند، سپس به ازای هر چهار من بادام، یک من بنفشه می‌ریختند و صد روز نگه می‌داشتند تا روغن آن گرفته شود (۲۸). روغن بنفشه را خواب‌آور و برای زخم معده، تسکین حرارت، سردرد، سرفه و صفرا سودمند دانسته‌اند (۳۳).

۴-۷. روغن نسرين: بر اساس نوشته خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در کتاب *آثار و احیاء درخت نسرین* دو نوع بود. نوع اول در دیار بکر و شام وجود داشت و محل رویش نوع دوم، عراق، خراسان و فارس بود. نوع دوم خوشبوتر، بزرگ‌تر، سفیدرنگ‌تر و دارای برگ بیشتر بود (۳۷). خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی دستور داد از شیراز برای تأمین کمبود روغن‌های دارویی بیمارستان ربع‌رشیدی تبریز، بیست من روغن نسرین بادام فرستاده شود (۱). با توجه به اینکه گل نسرین گیاه زینتی و پیازی است و درخت ندارد، به احتمال زیاد روغنی که با عنوان نسرین بادام از شیراز فرستاده شد، در واقع روغن نسترن بود. اطلاعاتی در مورد رویش درخت نسرین و تهیه روغن از آن قبل از دوره ایلخانی در ایالت فارس وجود ندارد. از خواص روغن نسرین این بود که دماغ سرد مزاج را گرم و تقویت می‌کرد، بادها و ورم‌های سرد را از بین می‌برد و عطسه را خارج می‌کرد (۴۲).

۴-۸. روغن نیلوفر: گیاه نیلوفر با حدود ۴۰۰ گونه یا بیشتر، در اغلب نقاط جهان و بیشتر در مناطق گرم و معتدل پراکنده است. این گیاه از نظر فرم ظاهری بسیار متنوع و شامل انواع علفی، درختچه‌ای و گاهی درختی با گل‌های قیفی بسیار درشت و زیبا است (۴۱). در دوره آل بویه، روغن نیلوفر در شاپور فارس تهیه می‌شد (۲). در دوره سلجوقیان و ایلخانی هم در شهر شاپور گیاهان معطر فراوانی مثل نیلوفر می‌روید (۹-۸). روغن نیلوفر دارای خواص درمانی بسیاری بود. روغن نیلوفر را موجب خواب خوش و مالش آن را بر تن موجب نرمی و از بین بردن خشکی دانسته‌اند (۳۲). موفق هروی روغن نیلوفر را خواب‌آور، سرد و تر در درجه اول و برای درمان سرسام، درشتی گلو، سرفه و تپش قلب و بیماری‌های مربوط به نای، مثانه و کلیه سودمند می‌داند (۷). همچنین بنا بر گفته

جرجانی روغن نیلوفر درد سری را که از گرمی و خشکی باشد، از بین می‌برد (۲۹).

۴-۹. سایر روغن‌ها: علاوه بر روغن‌های دارویی گیاهی که ذکر شد، روغن‌های دارویی دیگری در فارس تهیه می‌شد که در مورد آن‌ها اطلاعات کمتری وجود دارد. چنانکه در شاپور روغن‌های کارده سوسن، مرسین، مرزنجوش، بادرنگ و نارنج تهیه و به مناطق دور فرستاده می‌شد (۲).

روغن کارده سوسن شاید ترکیبی از کارده (کادی) و سوسن بوده است. در مورد روغن کادی پیش از این توضیح داده شد. در منابع تاریخی و پزشکی از رویش نوع خاصی از سوسن به نام سوسن نرجس در فارس سخن گفته شده است که برگ‌هایش مانند سوسن و میانه‌اش مانند درون گل نرگس بوده است (۲، ۵-۶). جرجانی می‌گوید: «روغن سوسن گرم است و محلل عصب‌ها و درد رحم و درد گوش را که از سردی باشد، سود دارد» (۲۹).

روغن مرسین، روغن گیاه مورد بود. مورد از گیاهان بومی ایران است که درختچه‌ای سبز و معطر به ارتفاع ۱ تا ۳ متر دارد. برگ‌های مورد نوک‌تیز، تخم مرغی - سرنیزه‌ای و گل‌های آن سفیدرنگ، محوری و منفرد است. امروزه این گیاه در بسیاری از نقاط استان فارس از جمله در شهرهای نورآباد ممسنی، کارزون، مهارلو، جهرم، فیروزآباد، سروستان و فسا وجود می‌روید (۳۹). جرجانی در مورد خواص درمانی روغن مورد می‌گوید: «موی را قوی کند و دماغ قوی را سود دارد» (۲۹).

مرزنجوش (مرزنگوش) یک گونه گیاهی چندساله با سه زیرگونه است که معمولاً در مناطق جنگلی و روی دیواره‌های پرشیب و گاهی در میان صخره‌ها می‌روید (۴۱). این گیاه کوچک و با شاخه و برگ زیاد و ارتفاع بوته آن حدود سی تا پنجاه سانتی‌متر است و برگ‌های آن کوچک، باریک، پوشیده از کرک و به رنگ خاکستری مایل به سبز می‌باشد (۴۵). مرزنجوش از گیاهان دارویی است که امروزه در فارس کاشته می‌شود (۴۰). روغن مرزنجوش دارای طبع گرم و لطیف و از خواص درمانی آن بازکننده گرفتگی سر و بینی و از بین‌برنده بادها و سردی مغز ذکر شده است (۷، ۲۹، ۳۲، ۴۴).

بادرنگ نام دیگر درخت اترج یا ترنج می‌باشد (۵، ۳۲، ۴۸). ترنج درختی کوچک یا درختچه‌ای بزرگ با خارهای کوتاه تیز دارد و برگ‌های آن مستطیلی و به طول ۸ تا ۱۰ سانتی‌متر است. میوه ترنج، بیضوی یا مستطیلی به طول ۱۵ تا ۲۵ سانتی‌متر و هنگام رسیدن زرد لیمویی است. همچنین پوست کلفت بسیار خوشبویی دارد (۳۹). درخت ترنج در دوره آل بویه، در ارجان (نزدیکی بهبهان کنونی)، فسا و شاپور (۶، ۲۲) و در دوره سلجوقیان در شاپور، خبر، صمکان و هیرک وجود داشت (۸). در دوره ایلخانی، صمکان و هیرک و شاپور و کارزون در فارس، محل رویش ترنج بود (۹). از ترنج چند نوع روغن تهیه می‌شد. یک نوع روغن از پوست ترنج و نوع دیگر از دانه آن استخراج می‌شد. روغن دانه اترج برای درمان بواسیر و روغن پوست اترج برای درمان بیماری‌های سرد بلغمی، عصب‌های ضعیف، درد کلیه و مثانه و صداع ناشی از سردی مفید بود (۷). ابن سینا روغن پوست ترنج را درمان بیماری سستی اعصاب و فلجی می‌داند و می‌گوید: «روغنی که از پوست ترنج به دست می‌آید، از روغنی که از شکوفه ترنج به دست می‌آید، قوی‌تر است» (۴۴). این مطلب بیانگر تهیه روغن از شکوفه ترنج می‌باشد.

نارنج (Sour Orange) درختی بی‌کرک با خاری بلند و نه خیلی تیز است. برگ‌های درخت نارنج متوسط به شکل تخم مرغی - مستطیلی به طول ۱۰-۷ سانتی‌متر می‌باشد. گل‌های سفید و معطر نارنج به اندازه متوسط و به صورت منفرد و چندتایی هستند. میوه نارنج کروی با دو انتهای کمی تخت شده و پوست تلخ می‌باشد (۳۹). بر اساس منابع تاریخی در سراسر دوره آل بویه تا پایان دوره ایلخانی، فارس رویشگاه نارنج بوده است. این درخت در فارس در مناطقی چون ایچ شبانکاره، صمکان، شاپور، کارزون و فسا وجود داشت (۹-۸، ۲۱). حاج زین‌العطار در مورد شیوه گرفتن روغن نارنج می‌گوید: «پوست تر نارنج را در روغن می‌خیسانند و سه هفته در آفتاب قرار می‌دادند، روغن نارنج به دست می‌آمد که برای درمان گزیدگی‌هایی مثل گزیدن عقرب مفید بود (۴۳). همچنین گفته شده روغن نارنج موجب قوی و سپیدشدن

موی می‌گردد (۳۲). امروزه استان فارس دومین تولیدکننده نارنج در کشور است. بخشی از بهار نارنج تولیدی فارس به صورت خشک یا عرق به خارج از کشور صادر می‌شود (۴۰). در شیراز بخش وسیعی از درختان نارنج، در باغ‌های تفریحی، آموزشی، فضاهای سبز و حاشیه خیابان‌ها قرار دارد.

زعفران (Saffron) از گیاهان بومی ایران است که از طریق پیاز کاشته می‌شود (۴۹). این حوقل از تولید عرق زعفران در فیروزآباد می‌گوید (۲۲). با توجه به اینکه از زعفران روغن تهیه می‌شد و فارس یکی از مراکز اصلی کشت زعفران بود، می‌توان گفت احتمالاً روغن زعفران در فارس تولید می‌شده است. گیاه زعفران از گذشته‌های دور در فارس کشت می‌شد (۶). بنا به نوشته حاج زین‌العطار، مرغوب‌ترین زعفران که حتی برتر از نوع خراسانی آن بود، در کوه گیلویه فارس به عمل می‌آمد (۴۳). اکنون زعفران از گیاهانی دارویی است که در استان فارس کشت می‌شود و شهرستان‌های فسا و داراب از مراکز اصلی تولید زعفران در این استان هستند (۴۰). از جمله خواص درمانی روغن زعفران نرم‌کردن عصب، سودمندبودن برای تشنج، نیکوکردن گونه و قوی‌کردن دل ذکر شده است (۷). ابن سینا روغن زعفران را گرمی‌دهنده و بوکردن آن را برای بهبود تنفس مفید می‌داند (۴۴).

نتیجه‌گیری

در کتاب‌های پزشکی و داروشناسی خواص درمانی بسیاری برای روغن‌های گیاهی بیان شده است. ایالت فارس به سبب وسعت و تنوع آب و هوایی محل رویش و کشت گیاهان دارویی بسیاری به ویژه گیاهان معطر بود که از آن‌ها روغن‌های دارویی تهیه می‌کردند. در دوره آل بویه تا پایان دوره ایلخانی، روغن‌های دارویی گیاهی متعدد و مرغوبی چون گل محمدی، نرگس، یاسمین، بنفشه، کادی، بید، نسرين، اترج و... در این استان تولید می‌شد، اگرچه بیشترین اطلاعات در مورد روغن‌های دارویی فارس در دوره آل بویه و ایلخانی است، اما با توجه به آگاهی‌هایی که در مورد رویش گیاهان خوشبو که از آن روغن تهیه می‌شد، در دوره‌های سلجوقیان و اتابکان

سلغری وجود دارد، می‌توان گفت تهیه روغن‌های دارویی از دوره آل بویه تا زوال ایلخانان در فارس استمرار داشته است.

گیاهانی که در فارس از آن‌ها روغن تهیه می‌شد، مثل گل محمدی از گیاهانی بودند که نیاز به آب کم داشتند و با شرایط آب و هوایی این منطقه سازگار بودند، به علاوه از دوره آل بویه تا زوال ایلخانان، ایالت فارس وسیع بود و محل عبور راه‌های تجاری بود. در این دوره فارس از طریق خلیج فارس امکان تجارت دریایی داشت و این عامل انگیزه‌ای برای تولید روغن‌های دارویی گیاهی با هدف صدور به مناطق دیگر جهان شده بود، بدین سبب برخی از روغن‌های دارویی فارس به مناطق دیگر ایران و جهان صادر می‌شد. شهرهای شیراز، شاپور، کازرون و فیروزآباد مراکز اصلی تهیه روغن‌های دارویی گیاهی در فارس بودند.

مشارکت نویسندگان

صدیقه پرویزی نیا تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

References

1. Hamedani RF. Savaneh al-Afkar Rashidi. Attempted by Danesh Pajouh MT. Tehran: Tehran University; 1979. p.65-66, 231-234. [Persian]
2. Moghaddasi A. Ahsan al-Taghasim fi Marefat al-Aghalim. Translated by Monzavi A. Tehran: Iranian Authors and Translators; 1982. Vol.2 p.633, 638, 642, 658-660. [Persian]
3. Unknown Author. Hodood al-Alam. Attempted by Sotoodeh H. Tehran: Ketabkhaneh Tahori Publications; 1983. p.130-134. [Persian]
4. Ghazvini Z. Asar al-Belad va Akhbar al-Ebad. Translated by Mirza J. Corrected by Mohaddes MH. Tehran: Amir Kabir Publications; 1994. p.236, 257, 267. [Persian]
5. Bironi A. al-Seidane fi al-Tib. Translated by Mozafarzadeh B. Tehran: Asar Publications; 2004. p.186-189, 273, 434, 528-530, 635, 843, 949, 982-984, 1003. [Persian]
6. Estakhri A. Masalek va Mamalek. Attempted by Afshar E. Tehran: Bongahe Tarjomeh va Nashre Ketab; 1961. p.133. [Persian]
7. Movaffagh Heravi A. Al-Abniyeh an Haghayegh al-Adviyeh. Corrected by Bahmanyar A. Attempted by Mahbobi Ardakani H. Tehran: Tehran University; 1967. p.138-153, 227. [Persian]
8. Ibn Balkhi. Farsnameh. Corrected by Listerench G, Nikson R. Tehran: Asatir Publications; 2006. p.130, 137, 142. [Persian]
9. Mostowfi H. Nozhat al-Gholoob. Corrected by Listerang G. Tehran: Donya-e Ketab Publications; 1983. p.115, 117-118, 126, 136. [Persian]
10. Bahreini S, Naji A, Manani R. Aromatherapy and its application. Nursing and Midwifery Journal. 2011; 9(1): 1-8. [Persian]
11. Riyahi S, Moosavi H. Aromatherapy and its use in midwifery. Journal of Islamic and Iranian of Traditional Medicine. 2020; 12(1): 23-41. [Persian]
12. Valizadeh A, Hosseini A, Ranjbar R, Azghani V. Oils from the perspective of traditional medicine. Journal of Islamic and Iranian of Traditional Medicine. 2013; 4(4): 390-398. [Persian]
13. Alijaniha F, Ghaffari F, Naseri M, Asghari M. The use of olfactory drugs in the prevention and treatment of disease from the perspective of traditional Iranian medicine. Medical History Journal. 2013; 5(14): 67-77. [Persian]
14. Dehghan M, Farkhondehzadeh M, Nimrozi M. The Rank of Aromatherapy in Disease Prevention or in its Healing as a Therapeutic Method. Religion and Health. 2021; 8(2): 67-78.
15. Ibn Moskooyeh A. Tajarab al-Omam. Translated by Emami A, Monzavi A. Tehran: Soroush Publications; 1997. Vol.5 p.395-396. [Persian]
16. Mostowfi H. Tarikh Gozideh. Attempted by Navaei A. Tehran: Amir Kabir Publications; 1985. p.425. [Persian]
17. Forouzani A. The Saljuqids from beginning to end. Tehran: Samt Publications; 2014. p.110-111, 318. [Persian]
18. Khoubnazar H. Shiraz History from beginning to the first of Karimkhan Zand. Corrected by Moayed Shirazi J. Tehran: Sokhan Publications; 2001. p.209-210. [Persian]
19. Zarkoob Shirazi A. Shiraznameh. Attempted by Vaez Javadi E. Tehran: Bonyad-e Farhang Iran; 1971. p.51, 71, 84-85. [Persian]
20. Khirandish A. The family, military and political ties between the Kharazmshah and the Salghori (Atabakan) 614-634. Faculty of Literature and Political Sciences, University of Tehran. 2008; 59(185): 81-98. [Persian]
21. Vassaf Shirazi F. Tarikh-e Vassaf al-Hazareh. Bambaiei: No Name; 1853. p.156-157, 424. [Persian]
22. Ibn Houghqal A. Safarnameh. Translated by Shear J. Tehran: Amir Kabir Publications; 1987. p.38, 51-52, 65. [Persian]
23. Mir MT. Famous doctors in Fars. Shiraz: Shiraz University; 1969. p.1-20, 211-212. [Persian]
24. Tajbakhsh H. Seyed Esmaeil Jorjani: Founder of medicine in Fars. Ayene Mirath. 2010; (47): 61-86. [Persian]
25. Khandmir G. Maaser al-Molok. Corrected by Mohaddes M. Tehran: Rasa Publications; 1993. p.156-157, 170. [Persian]
26. Hamedani RF. Vaghfnameh Robe Rashidi. Attempted by Minavi M, Afshar I. Tehran: Anjomam Asar Meli; 1977. p.145-158. [Persian]
27. Velayati A. Ghotb al-Din Shirazi. Tehran: Amirkabir; 2013. p.91-95. [Persian]
28. Elyas Shirazi NM. Ghiasieh. Baharestan Treasure, Sciences and Technologies 1, Medicine 1, Collection of 3 Treatises on Medicine. Corrected by Abotorabi A, Mehri F. Attempted by Research Center of the Islamic Consultative Assembly Library. Tehran: Islamic

- Consultative Assembly. Library, Museum and Documentation Center; 2007. p.252-298. [Persian]
29. Jorjani E. Zakhireye Kharazmshahi. Corrected by Moharari M. Tehran: Academy of Medical Sciences of Islamic Republic of Iran; 2003. Vol.3 p.126. [Persian]
30. Safa Z. History of Literature in Iran. Tehran: Ferdos; 1999. Vol.3 p.278. [Persian]
31. Ibn Kotbi Y. Ma la Yasmae al-Tabib Jahlaho (Manuscript). Tehran: Central Library and University Documentation Center. No.235 p.144-152. [Arabic]
32. Jamali Yazdi AM. Farokhnameh. Attempted by Afshar I. Tehran: Farhange Iranzamin; 1967. p.139-140, 228-235. [Persian]
33. Kashani A. Arayes al-Javaher va Nafaes al-Atayeb. Attempted by Afshar I. Tehran: Almoei Publications; 2006. p.280, 315-318. [Persian]
34. Ibn Faqih Hamedani A. Mokhtasar al-Baladan. Translated by Hakimi M. Tehran: Bonyad Farhang Iran; 2000. p.18. [Persian]
35. Petroshefski A. Agriculture and land relations in Iran during the Mongol era. Translated by Keshavarz K. Tehran: Institute for Social Studies and Research; 1965. Vol.1 p.396-397. [Persian]
36. Toosi M. Ajayeb al-Makhloqat. Attempted by Sotoodeh M. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 2003. p.255. [Persian]
37. Hamedani RF. Athar va Ahya. Attempted by Sotoodeh M, Afshar I. Tehran: Mcgil university institute of Islamic studies. Tehran University; 1989. p.63, 66-68, 206. [Persian]
38. Ilyas Shirazi NM. Al-Aghziyeh va al-Atameh (Manuscript). Tehran: Majles Library. No.2182 p.69-70. [Persian]
39. Mozaffarian V. Trees and shrubs of Iran. Tehran: Farhang Moaser; 2009. p.444, 462-467, 807, 811, 808, 835-836. [Persian]
40. Available at: <http://www.Fajo.ir/News>. Accessed July 7, 2022.
41. Mozafariyan V. Dictionary of Iranian Plants. Tehran: Farhang Moaser; 2009. p.289-292, 470. [Persian]
42. Ibn al-Bitar. Al-Jamee al-Mofradat al-Advieh va al-Aghzieh (Manuscript). Vol.2 p.100, 105, 108. Available at: <http://www.Lib.eshia.ir>. Accessed March 19, 2022. [Arabic]
43. Ansari Shirazi A. Ikhtiarat Badiiee. Corrected by Mir MT. Tehran: Razi Publications; 1992. p.174, 205-206, 364, 431. [Persian]
44. Ibn Sina H. Ghanoon. Translated by Sharafkandi A. Tehran: Soroush Publications; 2010. Vol.2 p.71-74, 139, 178, 221-222. [Persian]
45. Sharifi A. Secrets of medicinal plants. Tehran: Hafez Novin Publications; 2009. p.679, 845. [Persian]
46. Tavarnieh J. Safarnameh. Translated Nouri A. Corrected by Shirani H. Tehran: Sanaei Library and Esfahan: Taeid Bookstore; 1957. p.521. [Persian]
47. Zargari A. Herbal plants. Tehran: Amir Kabir Publications; 1968. Vol.5 p.494-499. [Persian]
48. Khalaf Tabrizi MH. Borhane Ghate. Attempted by Moin M. Tehran: Amir Kabir Publications; 1963. Vol.1 p.209. [Persian]
49. Abrishami MS. Understanding Iranian saffron. Tehran: Toos Publications; 1987. p.15, 25. [Persian]